



یکی از شیوه‌های اصلی تحلیل‌گران مالی در ارزیابی شرکت‌ها، استفاده از صورت‌های مالی آنهاست. تحلیل‌گران صورت‌های مالی یک شرکت را می‌گیرند و با اقدامات مقایسه اقدام به تجزیه و تحلیل آنها می‌کنند. در تجزیه و تحلیل شرکت‌ها سعی می‌شود وضعیت سودآوری، ریسک مالی، وضعیت تولید و فروش، وضعیت بدهی و حاشیه سود شرکت به طور کامل بررسی گردد. ذی‌نفعان شرکت اعم از سهامداران، بستانکاران و افراد طرف معامله با شرکت می‌توانند با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های انجام شده بر روی صورت‌های مالی یک شرکت خود را در وضعیت مناسبی با آن قرار دهند. اگر ریسک مالی شرکت بالا باشد سهامداران ممکن است اقدام به فروش سهام خود کنند و یا بستانکاران سعی می‌کنند اعتبار کمتری به شرکت بدهند و یا در مقابل وضعیت بستانکاری خود بازدهی بیشتری را طلب کنند.

• انواع تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی

تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی به دو گروه تجزیه و تحلیل افقی و تجزیه و تحلیل عمودی تقسیم می‌شود.

الف) تجزیه و تحلیل افقی:

این نوع تجزیه و تحلیل، اطلاعات صورت‌های مالی را برای چند دوره مالی بر مبنای اطلاعات سال پایه بیان می‌کند و موفقیت در هر دوره مالی با مقایسه اطلاعات سنوات قبل بررسی می‌شود و خود به دو دسته صورت‌های مالی مقایسه‌ای و بررسی روند تقسیم می‌شود.

۱) صورتهای مالی مقایسه‌ای:

به تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی در دو دوره متوالی اطلاق می‌شود، تحلیل‌کنندگان مالی تغییر مطلق ارقام صورت‌های مالی و همچنین درصد تغییر از یک سال به سال دیگر را محاسبه می‌کنند، بدین ترتیب اطلاعات جامع‌تری از صورت‌های مالی استخراج می‌شود.

۲) بررسی روند:

در این بررسی روند ارقام مهم مندرج در صورت‌های مالی با مبنای قراردادن سال پایه بررسی می‌شود به همین دلیل واحدهای تجاری در اغلب موارد ارقام مقایسه‌ای برای دوره‌های متوالی ۵ تا ۱۰ ساله را ارائه می‌کنند تا مقایسه‌های بیشتری انجام پذیرد. این تجزیه و تحلیل اهمیت بیشتری از تحلیل صورت‌های مالی مقایسه‌ای در دو دوره متوالی دارد، زیرا دوره‌ها بیشتر روند ارقام را بهتر منعکس می‌کند، تغییر از یک دوره مالی به دوره مالی بعد ممکن است الزاماً بخشی از یک روند کلی محسوب نشود زیرا ممکن است این تغییر در شرایط غیر عادی اقتصادی با وقوع چند رویداد غیر مکرر ایجاد شده باشد، مثلاً افزایش قابل ملاحظه در سود هر سهم سال جاری ممکن است ناشی از فروش اوراق بهاداری باشد که چند سال قبل خریداری شده است، که در سال‌های آتی تکرار نگردد لذا مقایسه سود خالص در یک دوره ۵ ساله ممکن است این حقیقت را که افزایش سود در سال جاری در روال عادی عملیات نبوده است آشکار نماید.



مثال ۱: صورت سود و زیان پنج سال متوالی شرکت X بشرح زیر است.

شرکت X

صورت سود و زیان مقایسه‌ای ۱۳۷۲ الی ۱۳۷۶

۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	
۱۱۵۹۸۶۳	۱۲۰۸۰۶۱	۱۱۰۷۱۲۸	۹۷۸۶۹۲	۸۷۱۵۰۵	فروش
۹۵۲۱۷۶	۹۶۶۵۶۸	۸۸۲۳۶۲	۷۶۰۲۱۳	۶۶۳۸۴۰	بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته
۱۵۰۶۶۵	۱۳۲۰۷۷	۱۰۷۱۴۰	۱۰۷۴۸۴	۹۳۸۰۱	هزینه‌های عمومی اداری
۲۱۸۹۱	۱۶۰۳۸	۹۵۲۶	۸۱۵۱	۸۴۰۰	هزینه بهره
۶۳۰۰	۳۵۳۰۰	۴۲۳۰۰	۴۳۹۰۰	۴۶۶۰۰	مالیات بردرآمد
۲۸۸۳۱	۵۸۰۷۸	۶۵۸۰۰	۵۸۹۴۴	۵۸۸۶۴	سود خالص

تجزیه و تحلیل صورت سود و زیان مقایسه‌ای سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ به شرح زیر است.

درصد تغییر	مبلغ تغییر ^۱	۱۳۷۶	۱۳۷۵	
(۴٪)	(۴۸۱۹۸)	۱۱۵۹۸۶۳	۱۲۰۸۰۶۱	فروش
(۱/۵)	(۱۴۳۹۲)	۹۵۲۱۷۶	۹۶۶۵۶۸	بهای تمام‌شده فروش‌رفته
۱۴	۱۸۵۸۸	۱۵۰۶۶۵	۱۳۲۰۷۷	هزینه‌های عمومی اداری
۳۶	۵۸۵۳	۲۱۸۹۱	۱۶۰۳۸	هزینه بهره
(۸۲)	(۲۹۰۰۰)	۶۳۰۰	۳۵۳۰۰	مالیات بردرآمد
(۵۰)	(۲۹۲۴۷)	۲۸۸۳۱	۵۸۰۷۸	سود خالص

^۱ ارقام داخل پرانتز نشان دهنده کاهش نسبت به سال قبل و ارقام خارج از پرانتز نشان دهنده افزایش نسبت به سال قبل است.



بررسی روند صورت سود و زیان پنج سال شرکت X به شرح زیر است .

	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	
فروش	%۱۳۳	%۱۳۹	%۱۲۷	%۱۱۲	%۱۰۰	
بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته	۱۴۳	۱۴۶	۱۳۳	۱۱۵	۱۰۰	
هزینه های عمومی اداری	۱۶۰	۱۴۰	۱۱۴	۱۱۴	۱۰۰	
هزینه بهره	۲۶۱	۱۹۱	۱۱۳	۹۷	۱۰۰	
مالیات	۱۴	۷۶	۹۱	۹۴	۱۰۰	
سود خالص	۴۹	۹۹	۱۱۲	۱۰۰	۱۰۰	

پس از انجام تجزیه و تحلیل فوق حداقل سه سوال زیر قابل طرح است :

- (۱) چرا سطح درآمد فروش پس از چند سال رشد، ناگهان کاهش یافته است ؟
- (۲) چرا سود خالص در سال ۱۳۷۶ شدیداً کاهش یافته است ؟
- (۳) چرا هزینه بهره در سال ۱۳۷۶ بطور چشم‌گیری افزایش یافته است ؟

در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی هنگامی که از درصدیابی استفاده می‌شود باید توجه داشت که اگر ارقام سال پایه کوچک باشد تغییرات آتی مانده‌ها از نظر درصدی بسیار بزرگ جلوه خواهد کرد، در این‌صورت بهتر است از تغییرات ریالی ارقام استفاده شود، مثلاً هزینه بهره در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۲ به ۲۶۱٪ رسیده است که علت آن کوچک بودن مبلغ هزینه بهره در سال ۱۳۷۳ است.

ب) تجزیه و تحلیل عمودی:

در تجزیه و تحلیل عمودی تمام اطلاعات مندرج در یک صورت مالی نسبت به ارقام همان صورت مالی بررسی می‌شود و به دو گروه صورت‌های مالی استاندارد و تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی تقسیم می‌شود.



۱) صورت‌های مالی استاندارد:

در این نوع تجزیه و تحلیل تمام اطلاعات مندرج در یک صورت مالی خاص بعنوان درصدی از یک رقم شاخص از همان صورت مالی بیان می‌شود برای مثال در صورت سود و زیان تمام اقلام بر حسب درصدی از فروش بیان می‌شوند یا در ترازنامه بعنوان درصدی از جمع دارائی‌ها بیان می‌شوند.

صورت سود و زیان استاندارد شده شرکت X بر مبنای درصدی از فروش طی سالهای ۱۳۷۲ الی ۱۳۷۶ به شرح زیر است .

	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	
فروش	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	
بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته	۸۲	۸۰	۷۹	۷۸	۷۶	
هزینه های عمومی اداری	۱۳	۱۱	۱۰	۱۱	۱۱	
هزینه بهره	۲	۱	۱	۱	۱	
مالیات بردرآمد	۱	۳	۴	۴	۵	
سود خالص	۲	۵	۶	۶	۷	

صورت سود و زیان استاندارد شده تا حدود زیادی به سوالات مطرحه در بخش قبلی پاسخ می‌دهد برای مثال کاهش در سود خالص سال ۱۳۷۶ ناشی از افزایش در بهای تمام شده کالای فروش رفته، افزایش هزینه‌های عمودی اداری و افزایش در هزینه‌های بهره است. هنگامی که صورت‌های مالی بیش از یک دوره استاندارد می‌شود باید در مقایسه ارقام استاندارد احتیاط کرد. برای مثال هزینه بهره سال ۱۳۷۵ ، ۱٪ فروش است و در سال ۱۳۷۶ ، ۲٪ فروش است، نمی‌توان ادعا کرد که هزینه بهره در سال ۱۳۷۶ دو برابر شده است مفهوم استاندارد کردن صورت‌های مالی سنجش روابط بین ارقام صورت‌های مالی در یک دوره است و نباید این اجزاء به‌عنوان یک روند بررسی شوند.

۲) تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی:

روابط دو یا چند رقم از یک صورت مالی را تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی گویند که امروزه بطور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد . معمولاً نسبت‌های مالی برای ارزیابی چهار جنبه از عملیات محاسبه می‌شوند . این چهار جنبه عبارتند از:

- ۱) نقدینگی
- ۲) فعالیت
- ۳) اهرم مالی
- ۴) سود آوری



□ نسبت‌های نقدینگی :

این نسبت‌ها به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند که بنیه مالی شرکت را در پرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت در سررسید ارزیابی کنند و به دو گروه تقسیم می‌شود .

۱. نسبت جاری:

این نسبت که نسبت سرمایه در گردش نیز نامیده می‌شود از تقسیم دارائی‌های جاری به بدهی‌های جاری بدست می‌آید و به عنوان یک شاخص توانایی تادیه تعهدات کوتاه‌مدت از محل دارائی‌های جاری بشمار می‌رود.

شرکت X

ترازنامه مقایسه‌ای

۱۳۷۵/۱۲/۲۹	۱۳۷۶/۱۲/۲۹		۱۳۷۵/۱۲/۲۹	۱۳۷۶/۱۲/۲۹	
۱۶۳۴۵۳	۱۸۱۳۰۸	بدهی‌های جاری	۳۹۰۶۴	۳۸۹۵۱	وجوه نقد و اوراق بهادار کوتاه‌مدت
۱۷۷۸۴۱	۲۱۲۵۴۱	بدهی‌های بلند مدت	۱۳۸۴۵۹	۱۶۲۵۲۱	حسابهای دریافتی - خالص
۳۹۰۷۴	۳۹۰۷۴	سهام ممتاز	۲۷۰۵۹۲	۲۶۷۶۶۳	موجودی کالا
۵۵۴۲۵	۵۵۴۵۰	سهام عادی	۹۴۱۰	۲۵۸۲۶	پیش پرداختهای هزینه
۱۰۴۱۵	۱۰۴۹۹	صرف سهام	۱۸۵۷۲	۲۴۵۹۹	سرمایه گذاری بلند مدت
۳۹۹۸۰۲	۴۰۴۹۶۹	سود انباشته	۳۴۷۵۸۱	۳۶۱۹۴۹	دارائی‌های ثابت
—	—		۲۲۳۳۲	۲۲۳۳۲	سرقفلی
۸۴۶۰۱۰	۹۰۳۸۴۱	جمع بدهیها و سرمایه	۸۴۶۰۱۰	۹۰۳۸۴۱	جمع دارائی‌ها



شرکت X

صورت سود و زیان مقایسه ای

۱۳۷۵/۱۲/۲۹	۱۳۷۶/۱۲/۲۹	
۱۲۰۸۰۶۱	۱۱۵۹۸۶۳	فروش
(۹۶۶۵۶۸)	(۹۵۲۱۷۶)	بهای تمام شده فروش رفته
(۱۳۲۰۷۷)	(۱۵۰۶۶۵)	هزینه های عمومی دارای
(۱۶۰۳۸)	(۲۱۸۹۱)	هزینه بهره
۹۳۳۷۸	۳۵۱۳۱	سود قبل از کسر مالیات
(۳۵۳۰۰)	(۶۳۰۰)	مالیات بردرآمد
۵۸۰۷۸	۲۸۸۳۱	سود قابل تخصیص
(۴۸۱۷)	(۴۸۱۷)	سود سهام ممتاز
سهام ۵۳۲۶۱	سهام ۲۴۰۱۴	سود سهام عادی
۱۱۰۹۶	۱۱۰۶۶	تعداد سهام عادی
ریال ۴/۸	ریال ۲/۱۷	سود هر سهم عادی

مثال بدهی جاری شرکت X در پایان سال ۱۳۷۶ به مبلغ ۱۸۱,۳۰۸ ریال است، آیا توان باز پرداخت بدهی‌ها در سررسید وجود دارد؟ نسبت جاری شرکت X شاخص لازم را برای ارزیابی توانایی بازپرداخت بدهی و رضایت خاطر اعتبار دهندگان فراهم می‌کند. نسبت جاری در شرکت X به شرح زیر است.

نسبت جاری =	دارائی‌های جاری
	بدهی‌های جاری
۴۹۴۹۶۱	دفعه ۲/۷۳ =
۱۸۱۳۰۸	

این نسبت نشان می‌دهد که بستانکاران می‌توانند اطمینان داشته باشند که مطالبات آنان در سررسید پرداخت می‌گردد واحد این نسبت، دفعه، مرتبه یا بار است و جهت آن نیز مثبت است یعنی هر چه بیشتر باشد از نظر اعتباردهندگان بهتر است.



۱. نسبت آنی (سریع) :

یکی از مشکلات نسبت جاری درجات متفاوت تبدیل به نقدینگی دارائی‌های جاری است جهت رفع این مشکل از نسبت دیگری بنام نسبت سریع یا آنی استفاده می‌شود. این نسبت از تقسیم دارائی‌های سریع بر جمع بدهی‌ها بدست می‌آید، دارائی‌های سریع شامل وجوه نقد و بانک، اوراق بهادار کوتاه‌مدت و حساب‌های دریافتی است، اقلامی همچون موجودی کالا، پیش پرداخت‌ها در محاسبه این نسبت لحاظ نمی‌شود تا بستانکاران و اعتباردهندگان کوتاه‌مدت بهتر بتوانند نقدینگی واحد تجاری را در بازپرداخت بدهی‌ها ارزیابی کنند. نسبت سریع در شرکت X به شرح زیر است.

۳۸۹۵۱ + ۱۶۲۵۲۱	دفعه = ۱/۱۱
۱۸۱۳۰۸	

نسبت سریع شرکت فوق‌الذکر بزرگ‌تر از یک است آن بدین معنی است که تمام بدهی‌های جاری را می‌توان از محل دارائی‌های سریع پرداخت کرد.

□ نسبت‌های فعالیت

نسبت‌های که کار این واحد تجاری را در استفاده از دارائی‌های جاری و غیرجاری نشان می‌دهد. نسبت‌های فوق عبارتند از :

۱. گردش موجودی :

گردش موجودی از تقسیم بهای تمام شده کالای فروش رفته بر متوسط موجودی یک دوره مالی بدست می‌آید. بهای تمام شده کالای فروش رفته بجای فروش در صورت کسر قرار می‌گیرد زیرا فروش شامل سود است. متوسط موجودی در مخرج کسر قرار می‌گیرد زیرا این نسبت فعالیت را در طول یک دوره نشان می‌دهد.

نسبت سریع =	حساب‌های دریافتی + اوراق بهادار کوتاه مدت + نقد
	بدهی‌های جاری

نسبت گردش موجودی در سال ۱۳۷۶ شرکت سهامی سپهر به شرح زیر است :

موجودی کالا پایان دوره + موجودی کالا اول دوره

= متوسط موجودی کالا



بهای تمام شده کالای فروش رفته

گردش موجودی = _____

متوسط موجودی

۹۵۲۱۷۶

= _____ = بار برای هر سال ۳/۵۴

(۲۷۰۵۹۲ + ۲۶۷۶۶۳) / ۲

پایین بودن این نسبت ممکن است ناشی از کاهش فروش یا افزایش موجودی طی دوره باشد افزایش موجودی طی دوره عواقبی همچون افزایش هزینه نگهداری و جریان خروجی نقدی در بر دارد. گردش بالای موجودی ممکن است مشکلات کسری موجودی در پاسخ‌گویی به نیازهای مشتریان را ایجاد نماید.

۲. گردش حسابهای دریافتی:

در تئوری گردش حساب‌های دریافتی از تقسیم خالص فروش نسیه بر متوسط حسابهای دریافتی به دست می‌آید. در عمل صورت کسر بدلیل آنکه اغلب شرکت‌ها فروش نسیه را به طور جداگانه گزارش نمی‌کنند، جمع فروش‌های طی دوره است.

گردش حسابهای دریافتی شرکت X به شرح زیر است:

$$\text{گردش حسابهای دریافتی} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط حسابهای دریافتی}} = \frac{\text{فروش خالص}}{(\text{مانده بدهکاران پایان دوره} + \text{مانده بدهکاران اول دوره}) / ۲}$$

۱۱۵۹۸۶۳

= _____ = بار در هر سال ۷/۷۱

(۱۳۸۴۵۹ + ۱۶۲۵۲۱) / ۲



۳. متوسط دوره وصول مطالبات:

این نسبت متوسط روزهایی که طول می‌کشد تا فروش نسیه وصول شود را بیان می‌کند و از تقسیم عدد ۳۶۰ روز برگردش بدهکاران بدست می‌آید.

$$\text{روز در سال} = ۴۷ = \frac{۳۶۵}{۷/۷۱} = \frac{۳۶۰}{\text{گردش بدهکاران}} = \text{متوسط دوره وصول مطالبات}$$

بطور متوسط ۴۷ روز طول خواهد کشید تا حساب‌های دریافتی ایجاد شده ناشی از فروش نسیه به وجه نقد تبدیل شود.

۴. گردش جمع دارائی‌ها:

این نسبت از تقسیم خالص فروش بر متوسط دارائی‌ها در یک دوره مالی بدست می‌آید. این نسبت بر چگونگی بهره‌وری از دارائی‌ها تاکید دارد.

گردش جمع دارائی‌ها در شرکت X به شرح زیر است.

$$\text{گردش جمع دارائی‌ها} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط دارائی‌ها}} = \frac{\text{فروش خالص}}{(\text{دارائی‌های پایان دوره} + \text{دارائی‌های اول دوره}) / ۲}$$

$$= \frac{۱۱۵۹۸۶۳}{(۸۴۶۰۱۰ + ۹۰۳۸۴۱) / ۲} = ۱/۳۳ = \text{بار یا } ۲۷۴ \text{ روز در سال}$$

گردش پایین این است نسبت موید هزینه‌های فرصت از دست رفته یا حداقل عدم کارایی در استفاده از دارائی‌ها است. البته جهت درک بهتر این نسبت همراه با سایر نسبت‌های مالی گردد.

□ نسبت‌های اهرمی

نسبت‌های اهرمی ریسک سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان بلندمدت یک واحد تجاری را نشان می‌دهد، این نسبت‌ها همچنین اطلاعات مفیدی راجع به توان بازپرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت در سررسید فراهم می‌آورند، نسبت‌های اهرمی عبارتند از :



۱. نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارائی‌ها:

این نسبت اطلاعاتی راجع به توانائی واحد تجاری در تحمل کاهش خالص دارائی‌ها بر اثر زیان‌های وارده بدون به مخاطره افتادن منابع اعتبار دهندگان را ارائه می‌کند، بالا بودن این نسبت بیانگر رسیک بالای اعتبار دهندگان بوده و موجب می‌گردد تا آن‌ها نظر مساعدی نسبت به تمدید اعتبار یا اعطای اعتبار جدید نداشته باشند. سطح مطلوب این نسبت بستگی به ثبات سودآوری در طی سالیان متفاوت دارد هر چه ثبات سودآوری تاریخی بیشتر باشد اعتبار دهندگان و سرمایه‌گذاران نسبت‌های بالاتری را تحمل خواهند کرد. نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارائی‌ها در شرکت X به شرح زیر است.

$$\text{نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارائی‌ها} = \frac{\text{جمع بدهی‌ها}}{\text{جمع دارائی‌ها}} = \frac{۳۹۳۸۴۹}{۹۰۳۸۴۱} = ۰/۴۴$$

این نسبت نشان می‌دهد که کمتر از نصف دارائی‌ها از محل ایجاد بدهی‌ها تامین مالی شده است.

۲. نسبت دفعات پرداخت بهره :

این نسبت بطور معمول از تقسیم سود قبل از بهره و مالیات بر هزینه بهره بدست می‌آید. علت استفاده از سود قبل از بهره و مالیات در صورت کسر آنست که این سود جهت پرداخت بهره در دسترس است. این نسبت برای ارزیابی توان واحد تجاری در پرداخت هزینه بهره سالانه بکار می‌رود. نسبت دفعات پرداخت بهره در شرکت X به شرح زیر است.

$$\text{نسبت دفعات پرداخت بهره} = \frac{\text{هزینه بهره} + \text{سود قبل از مالیات}}{\text{هزینه بهره}} = \frac{۳۵۱۳۱ + ۱۸۹۱}{۲۱۸۹۱} = ۳/۱$$

واحد این نسبت دفعه، مرتبه، یا بار است و بستانکاران و سرمایه‌گذاران جهت افزایش حاشیه ایمنی پرداخت بهره ترجیح می‌دهند که نسبت فوق بیشتر باشد.

□ نسبت‌های سود آوری

هدف غائی مدیریت حداکثرکردن بازده سهامداران است و سود خالص بهترین ابزار برای تعیین عملکرد مدیریت در دستیابی به هدف مزبور است. بنابراین طبیعی است که سهامداران در مجموعه نسبت‌های مالی برای نسبت‌های سودآوری اهمیت بیشتری قائل بشوند. نسبت‌های سودآوری عبارتند از :



۱. نسبت سود خالص به فروش :

این نسبت از تقسیم سود خالص بدست می‌آید و میزان بازدهی را به ازای هر ریال از فروش نشان می‌دهد. نسبت سود خالص برای شرکت X به شرح زیر است .

$$\text{نسبت سود خالص به فروش} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش خالص}} = \frac{۲۸۸۳۱}{۱۱۵۹۸۶۳} = ۰/۰۲۵$$

ضعف این نسبت آنست که بسیاری از هزینه‌ها همانند هزینه تامین مالی که در محاسبه سود خالص لحاظ شده‌اند ارتباطی به فعالیت فروش ندارند. این نسبت در ظاهر مطلوب نیست و نمی‌توان بطور قاطع نسبت به سودآوری واحد تجاری اظهار نظر کرد ابزار بهتر در ارزیابی سودآوری واحد تجاری نسبت سود عملیاتی به فروش است.

۲. نسبت سود عملیاتی :

این نسبت از تقسیم عملیاتی به فروش خالص بدست می‌آید اقلام غیر عملیاتی همچون درآمد و هزینه بهره، سود و زیان واگذاری دارائی‌ها در محاسبه سود عملیاتی منظور نمی‌شود این نسبت معیار قویتری برای ارزیابی سودآوری و فروش است.

$$\text{نسبت سود عملیاتی به فروش} = \frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{فروش خالص}} = \frac{\text{هزینه‌های عمومی سواری} + \text{بهای تمام شده کالای فروش رفته} - \text{فروش خالص}}{\text{فروش خالص}}$$

$$= \frac{۱۱۵۹۸۶۳ - (۹۵۲۱۷۶ + ۱۶۲۲۴۶)}{۱۱۵۹۸۶۳} = ۰/۰۴$$

این نسبت در برابر نسبت سود خالص به فروش است و معرف آنست که هزینه‌های غیر عملیاتی نسبتاً زیاد است بخاطر بیاورید که در بخش بررسی روند دیدیم که هزینه بهره در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال قبل از آن افزایش چشم‌گیری داشته است.

۳. نسبت سود خالص به متوسط دارائی‌ها:

این نسبت از تقسیم سود خالص به جمع دارائی‌ها بدست می‌آید و معیار بهتری برای سنجش سودآوری واحد تجاری در مقایسه با نسبت سود خالص به فروش و نسبت سود عملیاتی است زیرا توان مدیریت را در بکارگیری موثر از دارائی‌ها در ایجاد سود خالص نشان می‌دهد، این نسبت در شرکت X عبارت از:



$$\text{سود خالص} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{متوسط دارایی‌ها}} = \frac{\text{سود خالص}}{\frac{\text{دارایی‌ها پایان دوره} + \text{دارایی‌ها اول دوره}}{2}}$$

$$= \frac{28831}{(846010 + 903841) / 2} = 0.03$$

این نسبت بازده دارایی‌های بکارگرفته شده طی دوره را نشان می‌دهد بنابراین در مخرج کسر از متوسط دارایی‌های طی دوره استفاده شده است.

۴. نسبت بازده حقوق صاحبان سهام :

این نسبت از تقسیم سود خالص منهای سود سهام ممتاز بر متوسط حقوق صاحبان سهام بدست می‌آید سود در دسترس جهت توزیع بین سهامداران عادی سود خالص منهای سود سهام ممتاز است. بازده حقوق صاحبان سهام در شرکت X عبارت است از :

$$\text{سود سهام ممتاز} - \text{سود خالص} = 28831 - 4812$$

$$\text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{سود سهام ممتاز} - \text{سود خالص}}{\text{متوسط حقوق صاحبان سهام}} = \frac{28831 - 4812}{(465642 + 470918) / 2} = 0.05$$

این نسبت میزان موفقیت مدیریت را در حداکثر نمودن بازده سهامداران عادی نشان می‌دهد .

۵. در آمد هر سهم :

سرمایه‌گذاران اغلب علاقمندند که قدرت سودآوری را مبنای سود هر سهم اندازه‌گیری کنند، روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری وجود دارد که متداول‌ترین روش سود هر سهم است، که از تقسیم سود خالص منهای سود سهام ممتاز بر تعداد سهام عادی بدست می‌آید.

۶. نسبت قیمت به سود :

این نسبت از تقسیم ارزش بازار به سود هر سهم بدست می‌آید با فرض آنکه طبق اطلاعات بازار بورس ارزش بازار سهام شرکت X در پایان سال ۱۳۷۶، ۲۲،۸۷۵ ریال باشد نسبت قیمت به سود عبارت از :



$$P/E = \text{نسبت قیمت به سود} = \frac{\text{ارزش بازار هر سهم}}{\text{سود هر سهم}} = \frac{22/875}{2/17} = 10/54$$

روند افزایش این نسبت مبین رشد واحد تجاری است که از دیدگاه سرمایه‌گذاران رشد بالقوه بسیار مطلوب است و روند کاهشی سرمایه‌گذاران و سهامداران را نگران خواهد کرد.

۷. بازده سود سهام :

بازده سود سهام از تقسیم سود عادی بر ارزش بازار هر سهم بدست می‌آید، این بازده برای شرکت X به شرح زیر است .

$$E/P = \text{بازده سود سهام} = \frac{\text{سود هر سهم عادی}}{\text{ارزش بازار هر سهم عادی}} = \frac{2/17}{22/875} = 0/95$$

➤ محدودیت‌های تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی

نسبت‌های مالی بدلیل سادگی محاسبه و سهولت استفاده از آن بطور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند، بعلاوه مطالعه این نسبت‌های مالی اطلاعات بهتری از مطالعه ارقام گزارش شده بدست می‌دهد بهر حال استفاده کنندگان از صورت‌های مالی باید هشیار باشند که محدودیت‌های نسبت‌های مالی ممکن است گاهگاه وضعیت مالی را بهتر از آنچه هست یا بدتر از آنچه هست جلوه دهد.

اهم محدودیت‌های نسبت‌های مالی به شرح زیر است:

(۱) در مقایسه نسبت‌های مالی شرکت‌های مختلف باید به وجوه تفاوت در رویه‌های حسابداری توجه شود و در صورت نیاز اطلاعات حسابداری برای تعدیل این تفاوت همسنگ گردد.

(۲) اغلب اطلاعات حسابداری جدای از وجود رویه‌های متفاوت بر مبنای قضاوت، برآوردها و تخصیص‌های مختلف است که مبتنی بر برداشت‌های ذهنی و فاقد قابلیت اتکای لازم است، و نسبت‌های مالی در مقابل اتخاذ رویه‌های متفاوت حسابداری بسیار حساس‌اند.

(۳) اطلاعات مورد استفاده در نسبت‌های مالی اغلب بر مبنای ارزش‌های تاریخی است که کارآیی نسبت‌ها را شدیداً کاهش می‌دهد.

(۴) نسبت‌های مالی جنبه‌های متفاوتی از فعالیت‌ها را در یک زمان مشخص نشان می‌دهد نسبت‌ها همانند یک نقطه در یک مسیر طولانی هستند در حالی که واحدهای تجاری در یک محیط پویا بطور مداوم مشغول فعالیت هستند، بدین ترتیب بدون در نظر گرفتن وضعیت مالی در چرخه عملیاتی قضاوت راجع به نسبت‌ها ممکن است گمراه کننده باشد. مثلاً نقدینگی، سودآوری و



گردش موجودی در طول چرخه عملیاتی متغیر خواهند بود. هنگامی که یک واحد تجاری در مسیر رشد قرار می‌گیرد سطح نقدینگی ایده‌آل است ولی در طی دوران رشد سطح موجودی افزایش و سطح نقدینگی کاهش می‌یابد و پس از طی دوران رشد مجدداً سطح نقدینگی بازسازی خواهد شد. و در دوران رکود نقدینگی و سودآوری تضعیف خواهد شد. در بررسی نسبت‌ها یک تحلیل‌گر همراه باید به چرخه عملیات توجه و نسبت به متفاوت بودن نسبت‌ها در زمانهای مختلف چرخه عملیاتی هشیار باشد. در خاتمه تجزیه و تحلیل نسبت‌ها یکی از انواع روشهای متداول در تجزیه و تحلیل صورتهای مالی است و ارزیابی درست از شرایط اقتصادی و پتانسیل‌های آتی بایستی با توجه به تمامی متغیرهای موجود درک شود.

مثال حل شده :

صورت‌های مالی در دو سال متوالی بشرح زیر است :

۱۳۷۵	۱۳۷۶	
۲۵,۲۰۰,۰۰۰	۲۷,۰۰۰,۰۰۰	درآمد فروش
<u>۱۵,۳۶۰,۰۰۰</u>	<u>۱۵,۶۰۰,۰۰۰</u>	بهای تمام شدروش رفته
۹,۸۴۰,۰۰۰	۱۱,۴۰۰,۰۰۰	سود ناخالص
(۵,۶۱۶,۰۰۰)	(۶,۰۹۶,۰۰۰)	هزینه های عملیاتی
(۹۶۰,۰۰۰)	(۱,۰۸۰,۰۰۰)	هزینه استهلاک
<u>(۶۲۴,۰۰۰)</u>	<u>(۶۲۴,۰۰۰)</u>	هزینه بهره
۲,۶۴۰,۰۰۰	۳,۶۰۰,۰۰۰	سود خالص قبل از مالیات
(۷۶۸,۰۰۰)	(۱,۰۸۰,۰۰۰)	مالیات
۱,۸۷۲,۰۰۰	۲,۵۲۰,۰۰۰	سود خالص
۹۶۰,۰۰۰	۱,۹۲۰,۰۰۰	سود انباشته اول سال
<u>(۹۱۲,۰۰۰)</u>	<u>(۲,۰۴۰,۰۰۰)</u>	توزیع سود سهام
<u>۱,۹۲۰,۰۰۰</u>	<u>۲,۴۰۰,۰۰۰</u>	

ترازنامه

۱۳۷۵	۱۳۷۶	
۱,۹۲۰,۰۰۰	۱,۴۴۰,۰۰۰	موجودی نقدی
۲,۷۶۰,۰۰۰	۲,۲۸۰,۰۰۰	حسابهای دریافتی - خالص
۵,۱۶۰,۰۰۰	۵,۵۲۰,۰۰۰	موجودیها



۸,۴۰۰,۰۰۰	۹,۶۰۰,۰۰۰	دارائی‌های ثابت
<u>۱۸,۲۴۰,۰۰۰</u>	<u>۱۸,۸۴۰,۰۰۰</u>	جمع دارائی‌ها
۲,۸۸۰,۰۰۰	۳,۰۰۰,۰۰۰	بدهی‌های جاری
۶,۲۴۰,۰۰۰	۶,۲۴۰,۰۰۰	اوراق قرضه پرداختنی ۱۰٪
۷,۲۰۰,۰۰۰	۷,۲۰۰,۰۰۰	سهام عادی - ۶,۰۰۰ سهم
<u>۱,۹۲۰,۰۰۰</u>	<u>۲,۴۰۰,۰۰۰</u>	سود انباشته
<u>۱۸,۲۴۰,۰۰۰</u>	<u>۱۸,۸۴۰,۰۰۰</u>	جمع بدهی‌ها و حقوق احیان سهام

قیمت بازار سهام در آخر سال ۳,۷۷۵ ریال ۳,۰۰۰ ریال

تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی مقایسه بشرح زیراست :

۱۳۷۵	۱۳۷۶	درصد تغییر	مبلغ تغییر	
۱۰۰	۱۰۰	٪۷	۱,۸۰۰,۰۰۰	درآمد فروش
<u>۶۱</u>	<u>۵۸</u>	٪۱۶	<u>۲۴۰,۰۰۰</u>	بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته
۳۹	۴۲	٪۱۶	۱,۵۶۰,۰۰۰	سود ناخالص
۲۲	۲۳	٪۸	۴۸۰,۰۰۰	هزینه‌های عملیاتی
۴	۴	٪۱۳	۱۲۰,۰۰۰	هزینه استهلاک
<u>۳</u>	<u>۲</u>	=	=	هزینه بهره
۱۰	۱۳	٪۳۶	۹۶۰,۰۰۰	سودقبل از مالیات
<u>۳</u>	<u>۴</u>	٪۴۰	<u>۳۱۲,۰۰۰</u>	مالیات
۷	۹	٪۳۵	۶۴۸,۰۰۰	سود بعدازمالیات
۴	۷	٪۱۰۰	۹۶۰,۰۰۰	سود انباشته اول سال
<u>۴</u>	<u>۷</u>	٪۱۲۴	<u>۱,۱۲۸,۰۰۰</u>	توزیع سود سهام
۷	<u>۹</u>	<u>٪۲۵</u>	<u>۴۸۰,۰۰۰</u>	سود انباشته پایان سال

۱۳۷۵	۱۳۷۶	درصد تغییر	مبلغ تغییر	
۱۰	۸	٪۲۵	۴۸۰,۰۰۰	موجودی نقدی
۱۵	۱۲	٪۱۷	۴۸۰,۰۰۰	حسابهای دریافتنی



۲۹	۲۹	٪۷	۳۶۰,۰۰۰	موجودیها
۴۶	۵۱	٪۱۴	۱,۲۰۰,۰۰۰	دارائی‌های ثابت
۱۰۰	۱۰۰	٪۳	۶۰۰,۰۰۰	جمع دارائی‌ها
۱۶	۱۶	٪۴۲	۱۲۰,۰۰۰	بدهی‌های جاری
۳۴	۳۳	-	-	اوراق قرضه پرداختنی
۴۰	۳۸	-	-	سهام عادی
۱۰	۱۳	٪۲۵	۴۸۰,۰۰۰	سود انباشته
۱۰۰	۱۰۰	٪۳	۶۰۰,۰۰۰	جمع بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام

قیمت بازار سهام ۷۷۵ ٪۲۶

تجزیه و تحلیل نسبت های مالی به شرح زیر است .

$$\text{نسبت جاری} = \frac{\text{دارائی‌های جاری}}{\text{بدهی‌های جاری}} = \frac{۱۴۴۰۰۰۰ + ۲۲۸۰۰۰۰ + ۵۵۲۰۰۰۰}{۳۰۰۰۰۰۰} = ۳/۰۸$$

$$\text{نسبت آنی} = \frac{\text{دارائی‌های آنی}}{\text{بدهی‌های جاری}} = \frac{۱۴۴۰۰۰۰ + ۲۲۸۰۰۰۰}{۳۰۰۰۰۰۰} = ۱/۲۴$$

$$\text{گردش موجودی} = \frac{\text{قیمت تمام شده کالای فروش رفته}}{(\text{موجودی پایان دوره} + \text{موجودی اول دوره})/۲} = \frac{۱۵۶۰۰۰۰۰}{(۵۱۶۰۰۰۰ + ۵۵۲۰۰۰۰)/۲} = ۲/۹۲$$

$$\text{متوسط دوره وصول مطالبات} = \frac{۳۶۰}{۱۰/۷} = \frac{۳۶۰}{۱۰/۷} = ۳۳/۶$$

گردش حساب‌های دریافتنی



$$\begin{aligned} & \text{فروش خالص} \quad 27000000 \\ & \text{گردش جمع دارائی‌ها} = \frac{27000000}{(18240000 + 18840000) / 2} = \frac{27000000}{18540000} = 1/46 \\ & \text{جمع بدهی‌ها} \quad 3000000 + 6240000 \\ & \text{جمع بدهی‌ها به جمع دارائی‌ها} = \frac{3000000 + 6240000}{18840000} = 0/49 \\ & \text{هزینه بهره + سود قبل از مالیات} \quad 3600000 + 624000 \\ & \text{دفعات پرداخت بهره} = \frac{3600000 + 624000}{624000} = 6/8 \\ & \text{سود خالص} \quad 2520000 \\ & \text{نسبت سود خالص به فروش} = \frac{2520000}{27000000} = 0/09 \\ & \text{هزینه‌های عملیاتی - بهای تمام شده - فروش} \\ & \text{نسبت سود عملیاتی به فروش} = \frac{27000000 - 15600000 - 6096000 - 1080000}{27000000} = 0/16 \\ & \text{سود خالص} \quad 2520000 \\ & \text{بازده جمع دارائی‌ها} = \frac{2520000}{(18240000 + 18840000) / 2} = \frac{2520000}{18540000} = 7/36 \\ & \text{سود سهام ممتاز - سود خالص} \quad 2520000 - 0 \\ & \text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{2520000}{(9120000 + 9600000) / 2} = \frac{2520000}{9360000} = 0/26 \end{aligned}$$